

فصل چهارم

ائمه جماعات شهيد اهل سنت

شهید ملا عبدالحمید فرقانی
امام جماعت مسجد سلمان فارسی سقز

وی در دهکده «قیباغلو» از روستاهای شهرستان سقز کردستان، به سال ۱۳۱۲ هـ.ش در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. دوران خردسالی را در دامن خانواده گذراند و آموزش‌های ابتدایی را دید؛ سپس دروس گوناگون فقهی و زبان عربی را نزد استادان فن در شهرهای گوناگون کردستان آموخت و در سال ۱۳۳۶، موفق به دریافت اجتهادنامه فقه شافعی گردید.

محیط زندگی او پاک و آکنده از اعتقادات عمیق مذهبی بود و روحیه پاک طفولیت و تربیت خانوادگی، او را از ایمان خالص و ناب اسلامی سیراب کرده بود. نخستین و بهترین استاد او پدرش بود که خود او نیز امام جماعت و روحانی بود و در کردستان به عمق اطلاعات ادبی و فقهی شهرت داشت و به سه زبان فارسی و عربی و کردی سخن می‌گفت. وی در سن نگر مسئولیت‌های اجتماعی، نخستین امام جماعت مردمزادگاه خویش شد و چون از روستاییان مظلوم حمایت می‌کرد و بسان همه مردان خدا جانبدار محرومان و مستضعفان بود؛ به دستور مالک و فنودال روستا؛ در سال ۱۳۳۹ مجبور به جلائی وطن گردید و برای تبلیغ به روستای دیگری از شهرستان بانه، به نام «کله شین» رفت. در این روستا مدت شش ماه امام جماعت بود و تبلیغ می‌کرد؛ سپس به روستای «سرتکلو» از توابع شهرستان سقز، مسافرت کرد

و مدت هفت سال نیز متصدی امور مذهبی و فقهی اهالی روستای مزبور گردید و مردم را با حقایق آشنا ساخت و ایشان را از خرافات و شعبده بازی‌های مرسوم که با عنوان «دراویش» صورت می‌گرفت، باز داشت. او بارها اعلام کرد که در اسلام ریاضت‌های من درآوردی، رهبانیت و سحر و جادو، وجود ندارد و بدین‌گونه کوشید تا مردم را از شبکه خرافات و نادانی آزاد سازد؛ ولی به علت پایین بودن سطح آگاهی و تحریک عوام‌فریبان در روستای سرتکنتو مورد سوء قصد قرار گرفت و نزدیک به مرگ رسید. شاید هم زمین‌خواران منطقه در جریان این سوء قصد، دخیل بودند. از طرف دیگر عوامل ساواک روشنگری‌های او را با منافع پلیس رژیم ناسازگار دیدند که سرانجام وی در میان دو جریان مختلف قرار گرفت. دوستان نادان و دشمنان دانای از این‌رو به ناچار از روستای سرتکنتو به سقز هجرت کرد و مدت سه سال امام جماعت و ارشاد اهالی منطقه «ده مکالان» سقز را بر عهده گرفت. سپس تا زمان شهادت در محله کریم‌آباد سقز و در مسجد سلمان فارسی امام جماعت بود و مردم را به تقوا و اجرای احکام اسلام فرا می‌خواند. وی در سال ۱۳۶۰ موفق به زیارت خانه خدا گردید. سرانجام در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۶۳ به وسیله مزدوران شترق و غرب شبانه از منزل روده شد و به شهادت رسید.

شهید ملا عبدالکریم شهریکندی
امام جماعت مسجد روستای خلیغیان از توابع سلدوز

وی به سال ۱۳۰۵ هـ ش در روستای «سویه دین» از توابع بوکان و در خانواده‌ای روحانی چشم به جان گشود. پس از دوران کودکی به علت علاقه فراوان به معارف اسلامی مقدمات علوم دینی را تا دوازده سالگی در خدمت پدرش، «ملا قادر» فرا گرفت. در دوازده سالگی پدرش بدرود حیات گفت و او برای ادامه تحصیل از روستا، همراه تنها برادر خود ملاعلی راهی روستای قروچا شد و در مدرسه استادی دیگر به شاگردی پرداخت. سپس به روستای قره‌گویز رفت و در محضر استادان آن دهکده شرکت کرد و از آنان استفاده‌ها برد. در سال ۱۳۳۱ با یکی از خانواده‌های سادات مهاباد پیوند ازدواج بست. و در همان سال به عنوان امام جماعت و مدرس روستای خلیغیان از توابع سلدوز نقده انتخاب شد و به آن روستا هجرت کرد. سپس از طرف اهالی شهرستان نقده به امامت جمعه اهل سنت آن شهر دعوت شد. پس از دورانی کوتاه، به اصرار مردم مجدداً به روستای خلیغیان بازگشت. در سال ۱۳۴۱ بنا به دعوت مردم مهاباد بدان شهر کوچ کرد و با برعهده گرفتن امامت مسجد مولوی و تدریس در مدرسه علوم دینی به خدمت همت گماشت. در این دوران ده‌ها طلبه از دانش و کمالات اخلاقی او بهره‌مند شدند.

شهید شهپر یکندی در شمار عالمان طراز اول اهل سنت منطقه کردنشین محسوب می‌گردید و مرجع عام و خاص بود. در مدت بیست سالی که در مهاباد بود بر حسب نیاز فرهنگی شدید در جامعه، به تدریس در دبیرستان‌ها اشتغال داشت. او همچنین با برخی از مراکز علمی و دانشگاهی خاورمیانه از جمله با دانشگاه الازهر مصر و دانشگاه تهران مکاتبه داشت.

وی با ادبیات و زبان کردی، فارسی و عربی آشنا بود. همچنین در تفسیر قرآن، فلسفه، تاریخ ایران و اسلام اطلاعاتی فراوان داشت. ایشان متعهد بود و احساسی شورانگیز داشت.

پس از پیروزی انقلاب که از آشفتگی وضع منطقه کردستان بسیار متأثر بود، در حل مسأله‌های تلاش‌ها کرد و در این راه با امام امت و آیات عظام و مقامات عالی مملکتی، برای برقراری امنیت در منطقه و رفاه حال مردم و سرانجام حل مسئله کردستان گفت‌وگو کرد. او اجرای پیام تاریخی ۲۶ آبان ۱۳۵۸ رهبر انقلاب را، یگانه راه حل مشکلات منطقه می‌دانست و مردم را به فراهم نمودن زمینه اجرای آن فرا می‌خواند.

سرانجام در ساعت يك و بیست دقیقه بعد از ظهر روز دوشنبه دوم فروردین ۱۳۶۱ به دست عوامل مزدور و خائن به ملت گُرد و امت اسلام و پس از اقامه نماز جماعت ظهر و خروج از مسجد مولوی بسیار ناجوانمردانه به مقام رفیع شهادت نایل آمد.

شهید ملا محمد رئوف حسین‌زاده
امام جماعت مسجد روستای مهماندار

در یکی از روستاهای شهرستان بوکان در خانواده‌ای مذهبی متولد شد. عشق به معارف اسلامی در درون او زبانه می‌کشید و او را به فراگیری و می‌داشت تا این‌که نزد روحانیون کردستان رفت و به فراگیری علوم اسلامی پرداخت.

او زندگی ساده‌ای داشت و در میان مردم روستاهای اطراف از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بود. او خصلت تواضع و فروتنی را در خود پرورانده بود و با مردمان برخوردی متواضعانه داشت. یکی از علل محبوبیت مردمی او نیز در همین خصلت بود.

شهید حسین‌زاده از زادگاهش به روستای «مهماندار» نقل شده آمد و به ارشاد و راهنمایی مردم پرداخت. پس از دو سال اقامت در این روستا، محل اقامت خود را تغییر داد و به روستای «دیزج‌دول» رفت لیکن از آنجا که مردم خواستار او بودند بازگشت به دنبالش رفتند و دیگر بار او را به روستای مهماندار باز آوردند.

او امام جماعت تنها مسجد روستای مهماندار بود. مسجدی که خود آن را با کمک اهالی بنا کرده بود.

در جنگ نقل شده اکثر روستاهای کردنشین خسارتی دیدند لیکن روستای مهماندار در این میان به‌خاطر تدابیر و نکات ویژه او هیچ‌گونه خسارتی ندید

و هیچ اتفاقی در این محل پیش نیامد. او در برابر گروهک‌های کفر و شرک استوار می‌ایستاد و در برابر فرمان امام تسلیم بود و همین امر مزدوران آمریکایی در کردستان را به وحشت انداخته بود و همین، علت شهادت او شد.

سرانجام به تاریخ ۱۳۶۱/۷/۱۳ هنگامی که چند نفر از اهالی برای رفع مشکلاتشان گرداگرد او نشسته بودند، ناگهان از پنجره اتاق او را صدا زدند. او از اتاق بیرون آمد. تنی چند از مردم روستا که نزد او بودند به آن سنگدلان گفتند: یا همین‌جا هر کاری داری به او بگویند و یا اگر خواستید او را بیرون ببرید، ما هم می‌آییم. لیکن آنها با شنیدن این حرف‌ها لوله تفنگ را به طرف مردم گرفتند و مردم را تهدید به مرگ کردند و آنها را کنار زدند، او را با خود به کنار روستا بردند و از طرف دیگر پسرش را به آن نقطه برده بودند و در کنار هم قرار دادند و آنان را آماج گلوله‌های خود قرار دادند و نوشته‌ای از خود بر جای گذاشتند که از طرف حزب منحل دموکرات این قتل انجام شد.